

# THOR

**MARVEL**  
**28**  
LGY#754

EWING  
CATES  
LARROCA  
DELGADO

دورنامه  
dornname.ir

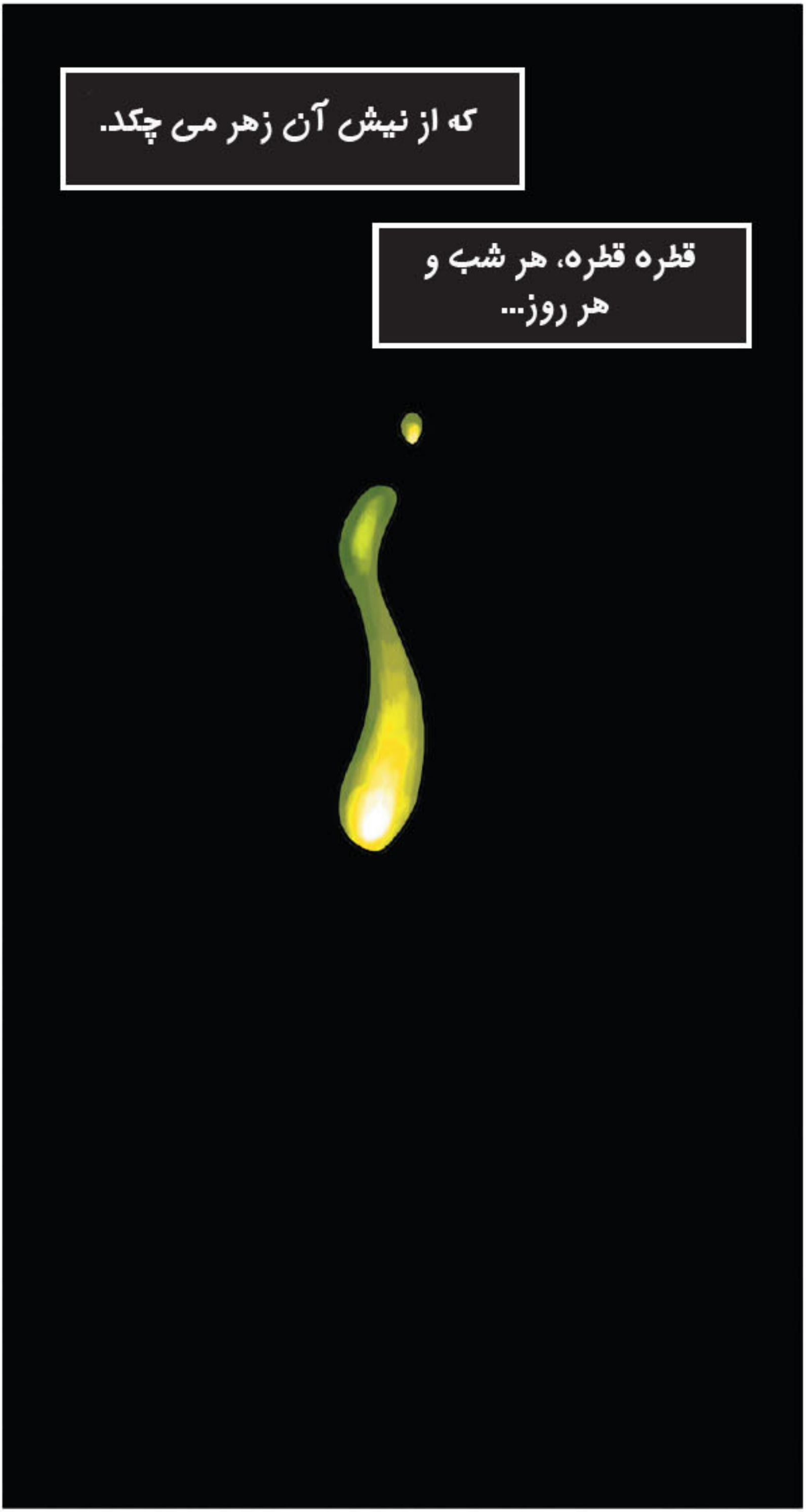






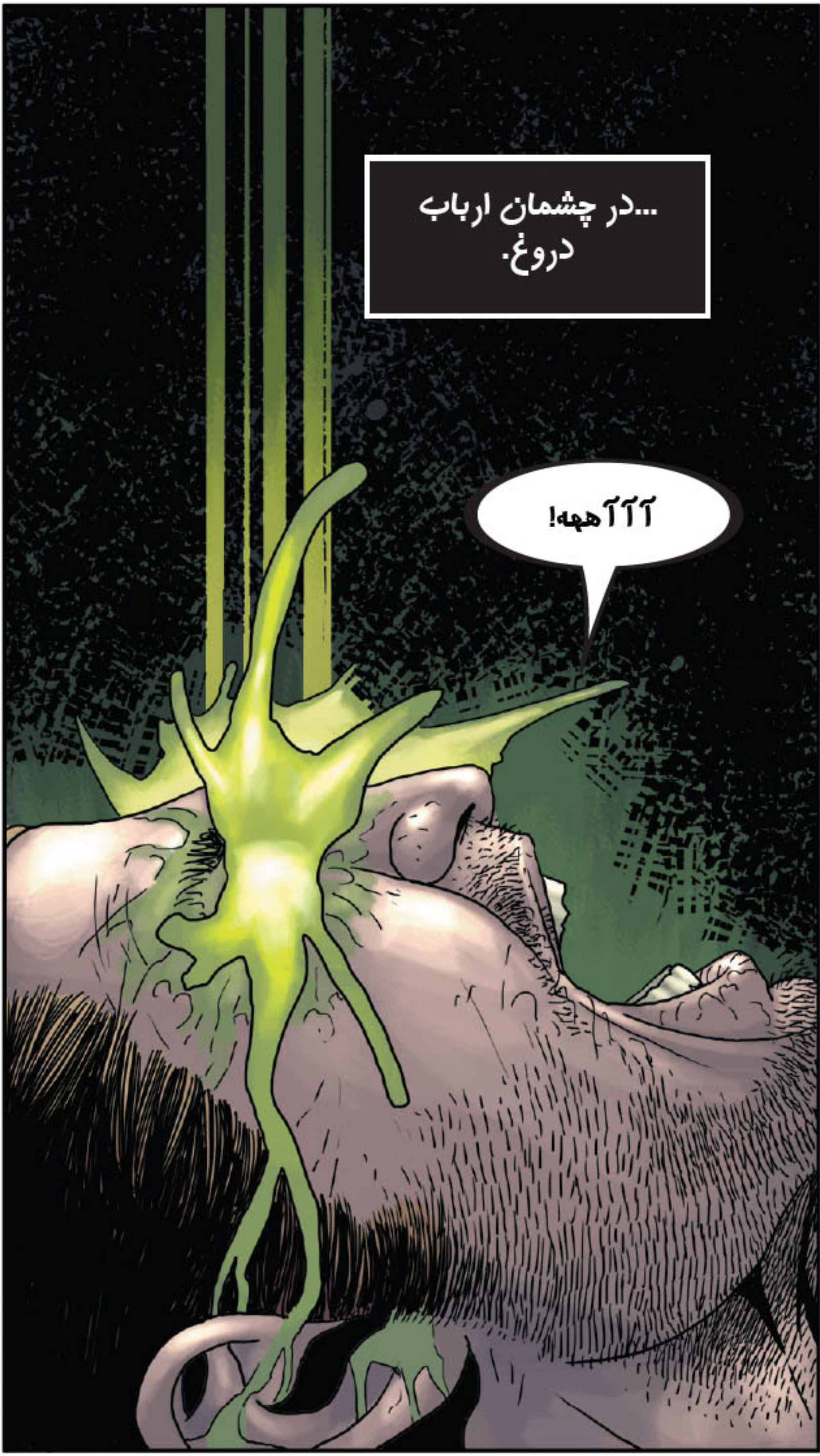
در اعماق تاریخ آزرگارد...

...یک افعی  
وجود دارد.



که از نیش آن زهر می چکد.

قطره قطره، هر شب و  
هر روز...



...در چشمان ارباب  
دروغ.

آآههه!



دونالد بلیک با تمام وجود قصد تبدیل  
شدن به ایزد را داشت... ولی الان جای  
ارباب دروغ را گرفته است. آیا این  
عدالت است؟

نه. تنها  
افسانه...

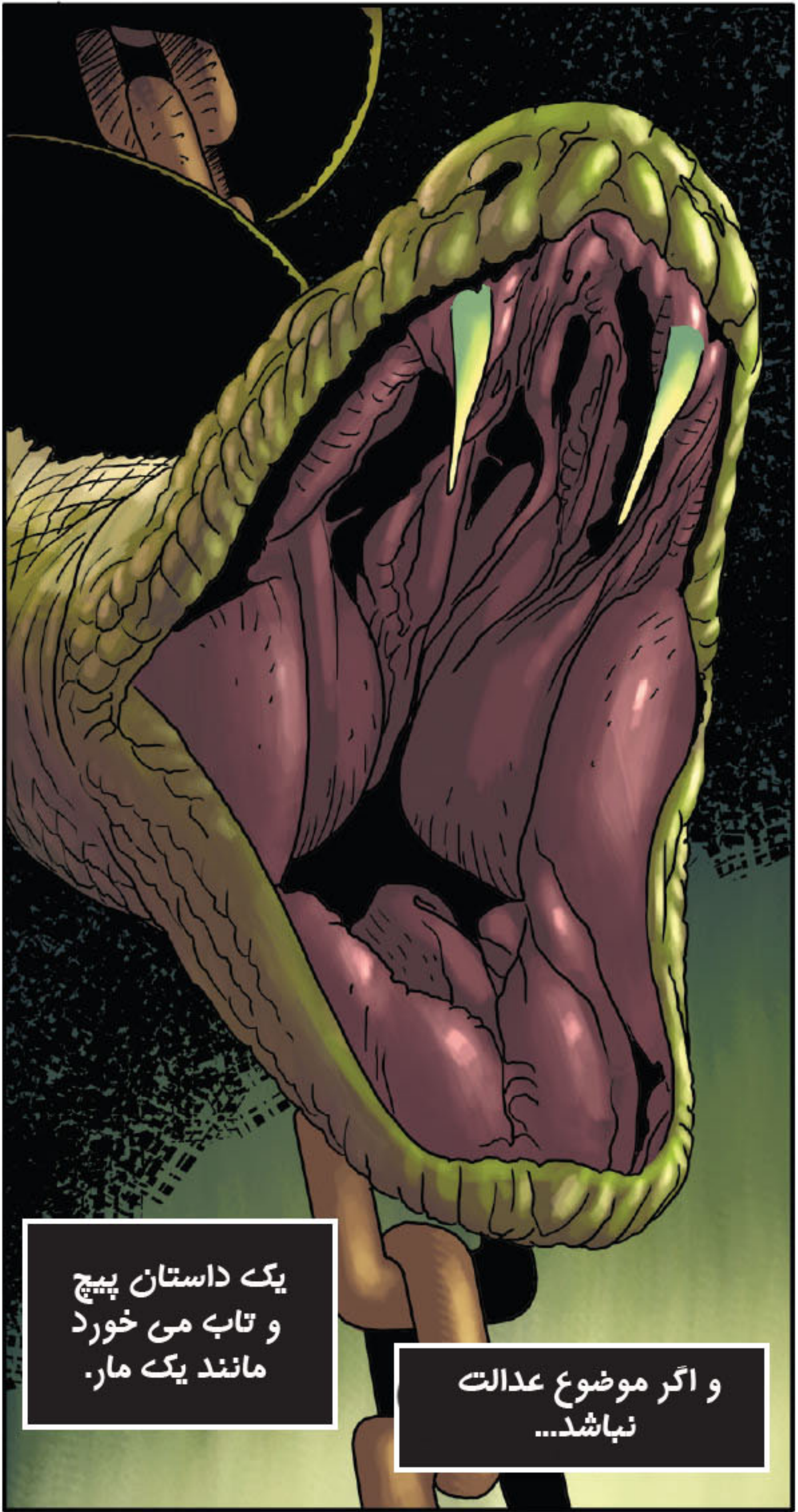
ننننن....

خدایان طرفدار داستان هستند. اگر  
داستان خوبی داشته باشد، مورد داستان  
را برای همیشه در سیاهی می سوزانند و  
عذاب می دهند...چه عدالت باشد چه نباشد.



ولی افسانه کمی  
فرق دارد.

گااااا!



یک داستان پیچ  
و تاب می خورد  
مانند یک مار.

و اگر موضوع عدالت  
نباشد...



...شاید دلیل آن انتقام  
باشد.

لوی...



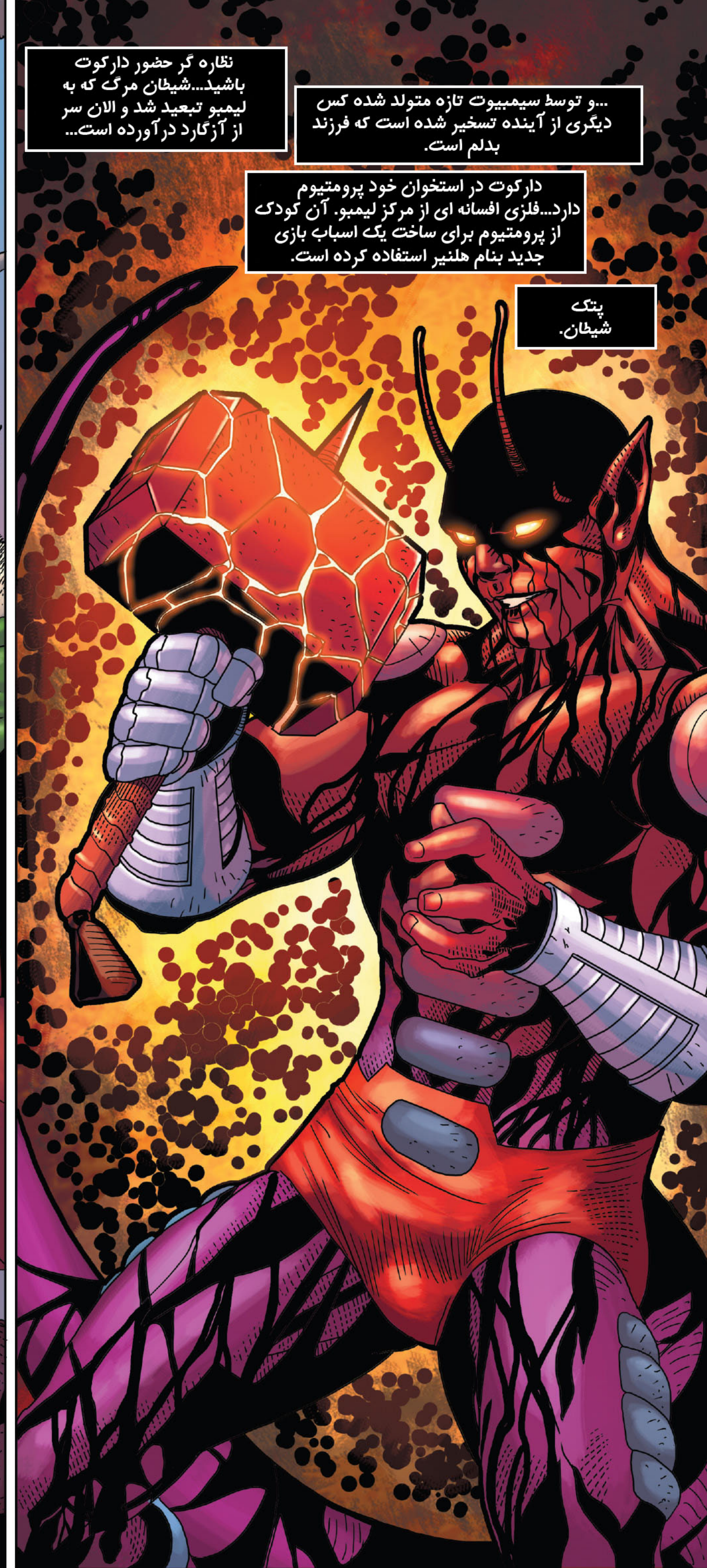


به نظرم کسی  
داره اسم منو صدا  
می زنه...

همونجا بمون  
لوکن.

اگه وقتی باشه  
که بخت نیاز داشته  
باشیم، همین  
الانه.

گاهی اوقات چیزهایی از  
جهنم به بیرون می خزند.

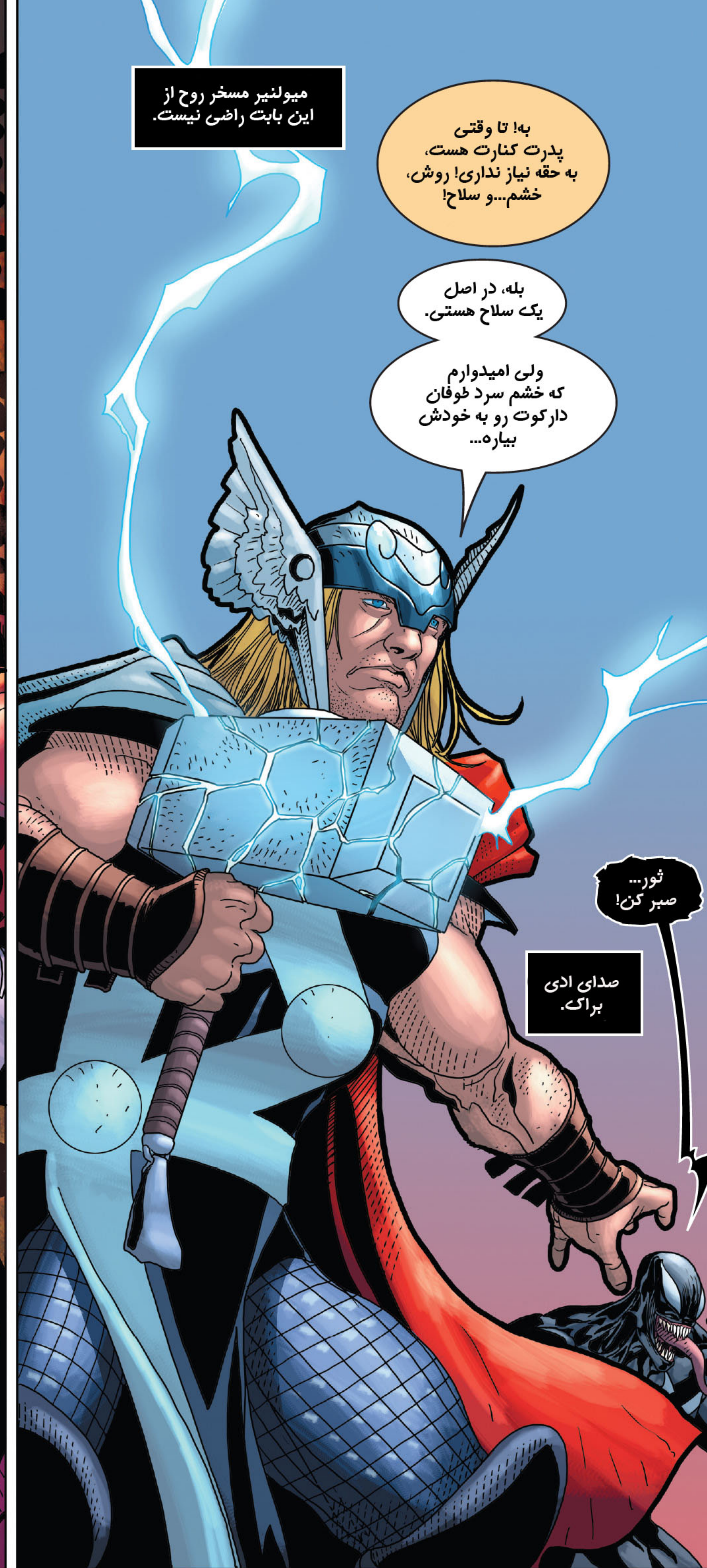


نظاره گر حضور دار کوت  
باشید... شیطان مرگ که به  
لیمبو تبعید شد و الان سر  
از آرزگارد در آورده است...

...و توسط سیمپیوت تازه متولد شده کس  
دیگری از آینده تسخیر شده است که فرزند  
بدلم است.

دار کوت در استخوان خود پرومیتیوم  
دارد... فلزی افسانه ای از مرکز لیمبو. آن کودک  
از پرومیتیوم برای ساخت یک اسباب بازی  
جدید بنام هلنیر استفاده کرده است.

پتنگ  
شیطان.



میولنیر مسخر روح از  
این بابت راضی نیست.

به! تا وقتی  
پدرت کنارت هست،  
به حقه نیاز نداری! روشن،  
خشم... و سلاح!

بله، در اصل  
یک سلاح هستی.

ولی امیدوارم  
که خشم سرد طوفان  
دار کوت رو به خودش  
بیاره...

ثور...  
صبر کن!

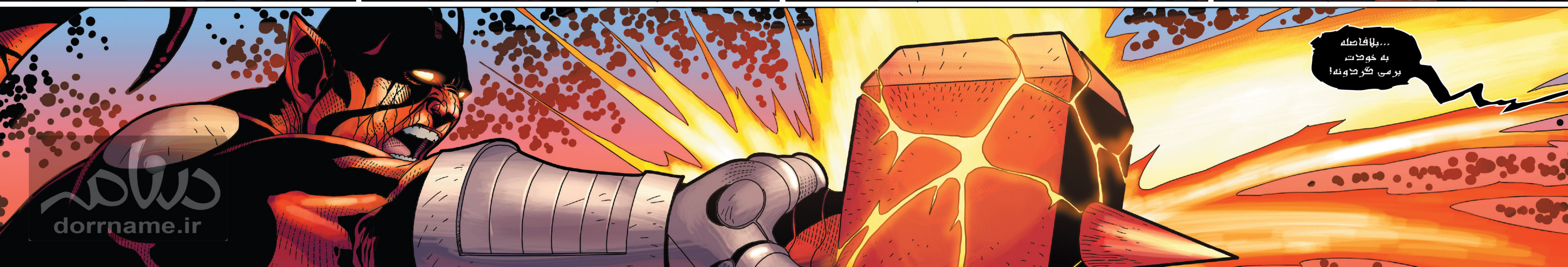
صدای الی  
براک.



مردی که می داند معنی نبرد  
با انعکاس خود چه معنی می تواند  
داشته باشد...

دار کوت تحت کنترل  
یک سیمپیوت کورده... که اولین  
قادر های خوشش رو به برسی داره!  
و از تو یاد می گیره!

هر حرفی  
یکنی...



...بلافاصله  
به خونت  
برسی گردونه!











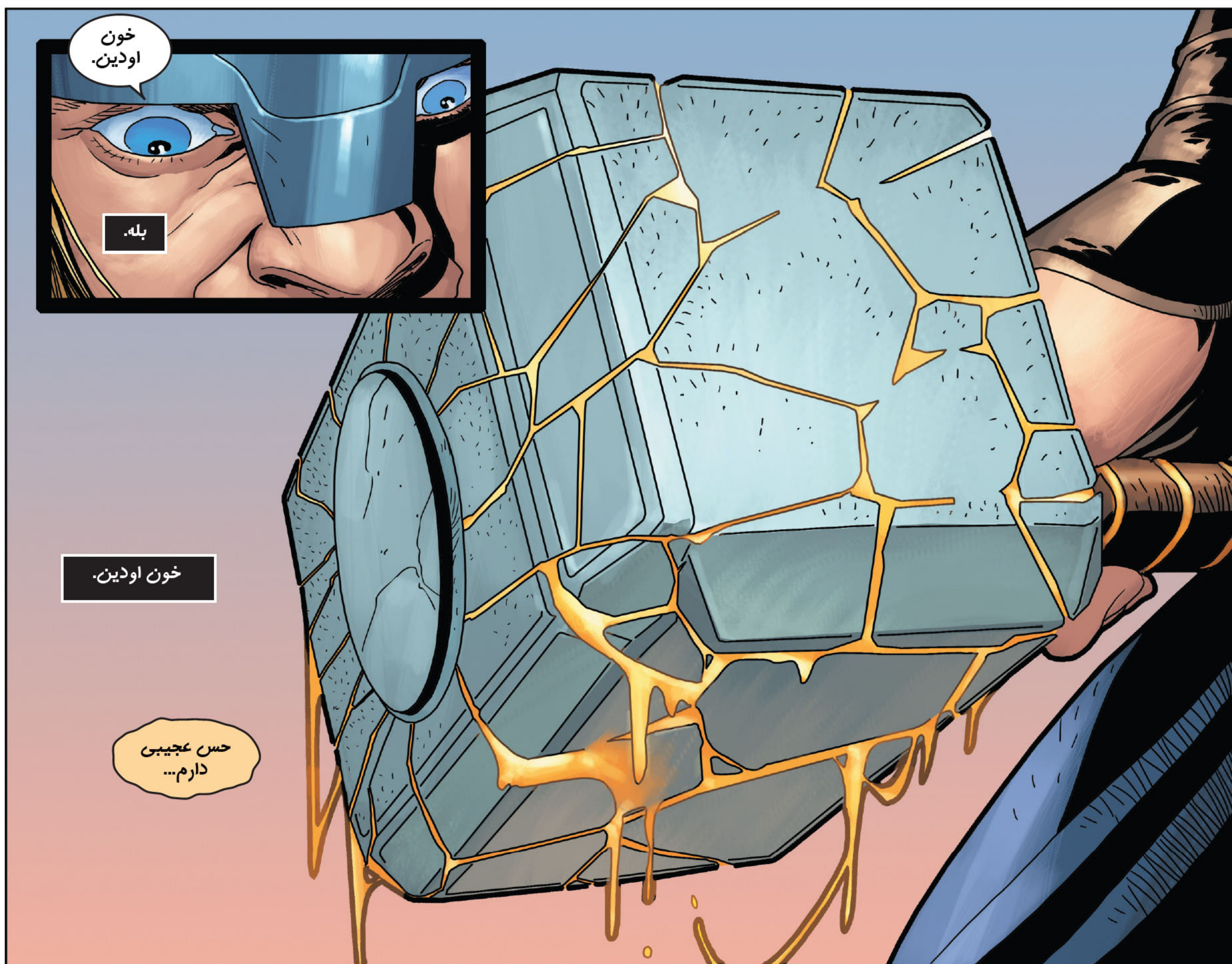


تا حالا تو رو تو همچین  
شرایط اسفناکی ندیدم... البته  
از زمانی که بلایی که خودم سرت  
آورد، ولی بذار وارد این  
بحث نشم...

من... من حس  
می کنم...

من حالم خوبه  
لوکی. درد فراموش  
می شه...

حالت خوبه  
برادر؟



خون  
اودین.

بله.

خون اودین.

حس عجیبی  
دارم...



دار کوت.

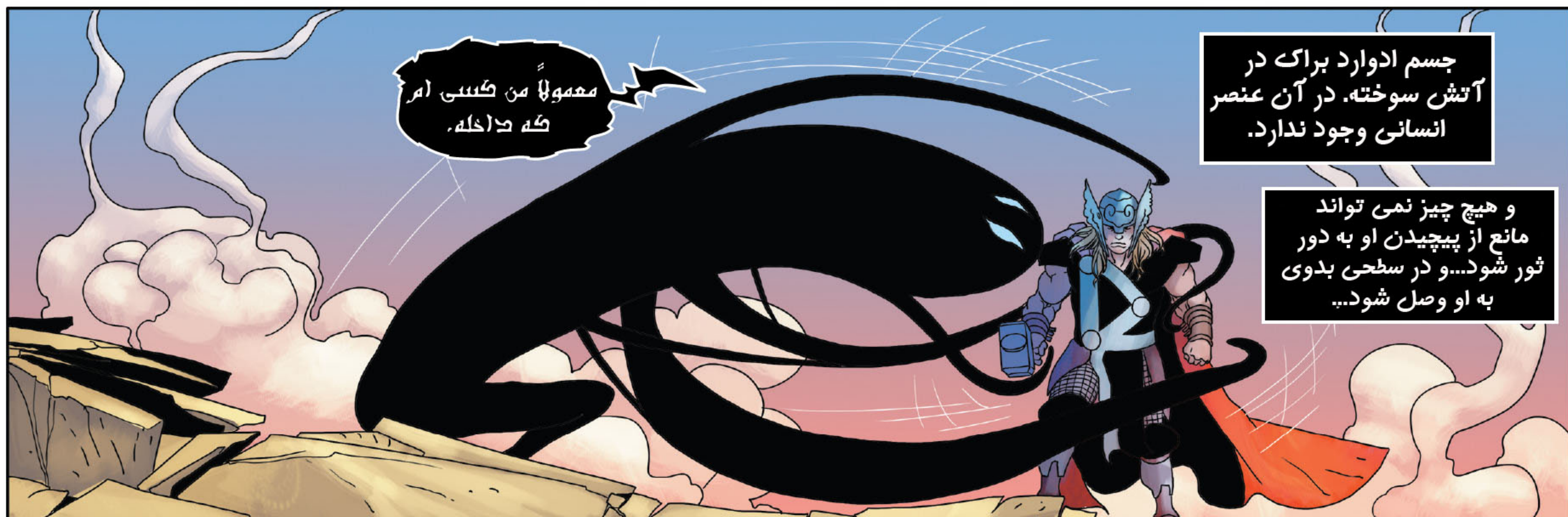
اگه صدای منو  
از اعماق جادویی که  
شدی می شنوی... بدون  
که من نهایت تلاشم رو کردم.  
ولی ایزد صاعقه دیگه نمی تونه  
خوشتنداری کنه.

پتک داره  
خونریزی می کنه.  
و خون،  
خون می طلبه.









جسم ادوارد براک در  
آتش سوخته. در آن عنصر  
انسانی وجود ندارد.

و هیچ چیز نمی تواند  
مانع از پیچیدن او به دور  
ثور شود... و در سطحی بدوی  
به او وصل شود...

معمولاً من کسی ام  
که داخله.



...و به چیزی  
بیشتر تبدیل  
شود.

ثور... مراقب  
باش...

چی؟ این  
کاملاً هنریه!

ایکاش به  
فکر من رسیده  
بود!



یا قدرت  
گرت که خودم  
باشم...

دو پادشاه...  
دو ایزد... یکی می شن!  
آزگارد داستان های  
امروز رو فراموش  
نخواهد کرد!

داستان های  
تاریک. آره.



و در دنیای زیرین آزگارد...  
برای یک لحظه...

...ارباب دروغ دیگر فریاد  
نمی زنند.

چیزی در حال  
تغییره.  
چیزی...



بچه بدلم.

نظاره کنید.  
او متولد شده.



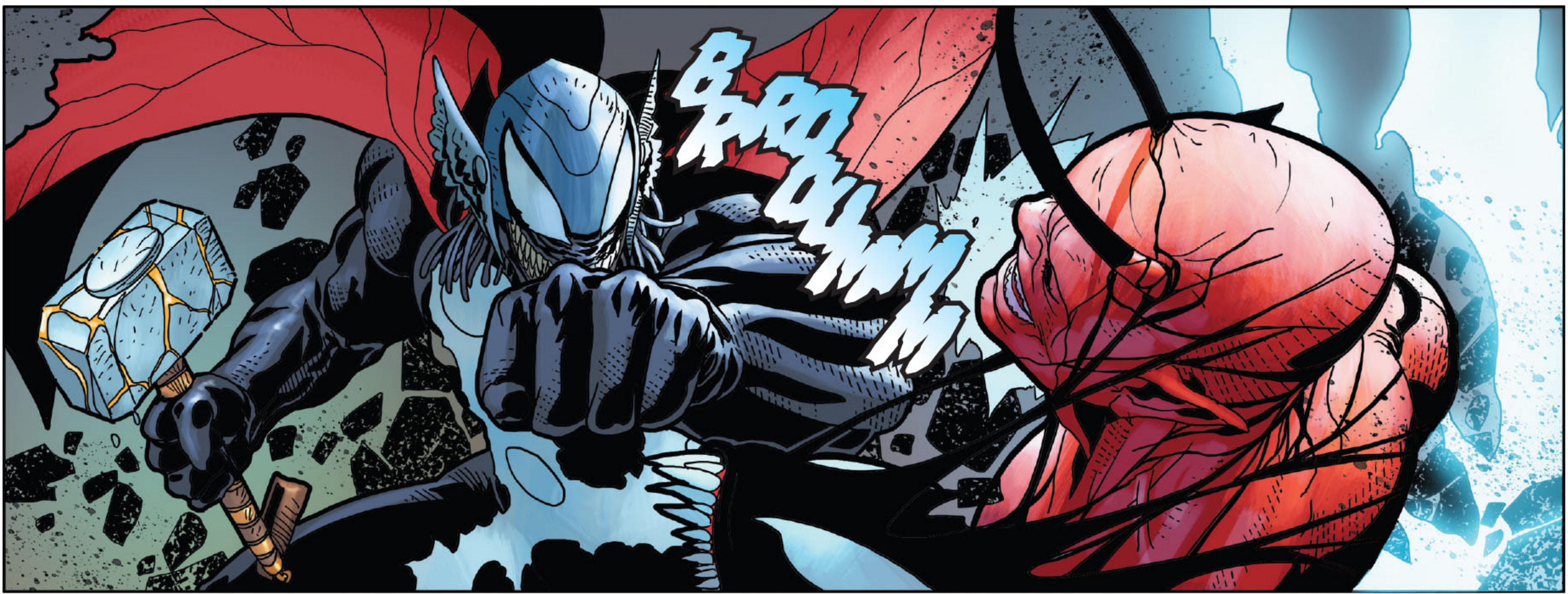
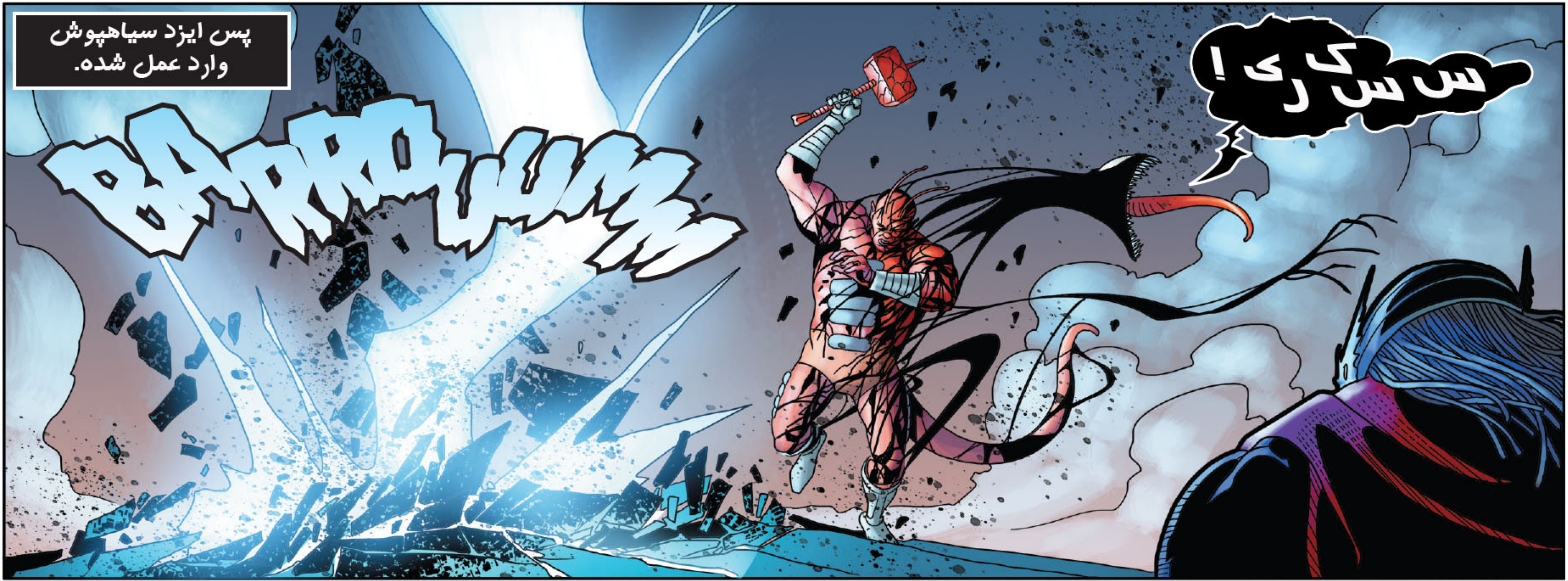
ایزد  
سیاهپوش.

باید باهات  
حرف بزنیتم.

[illegible]

حرفتونو رد  
می کنم.

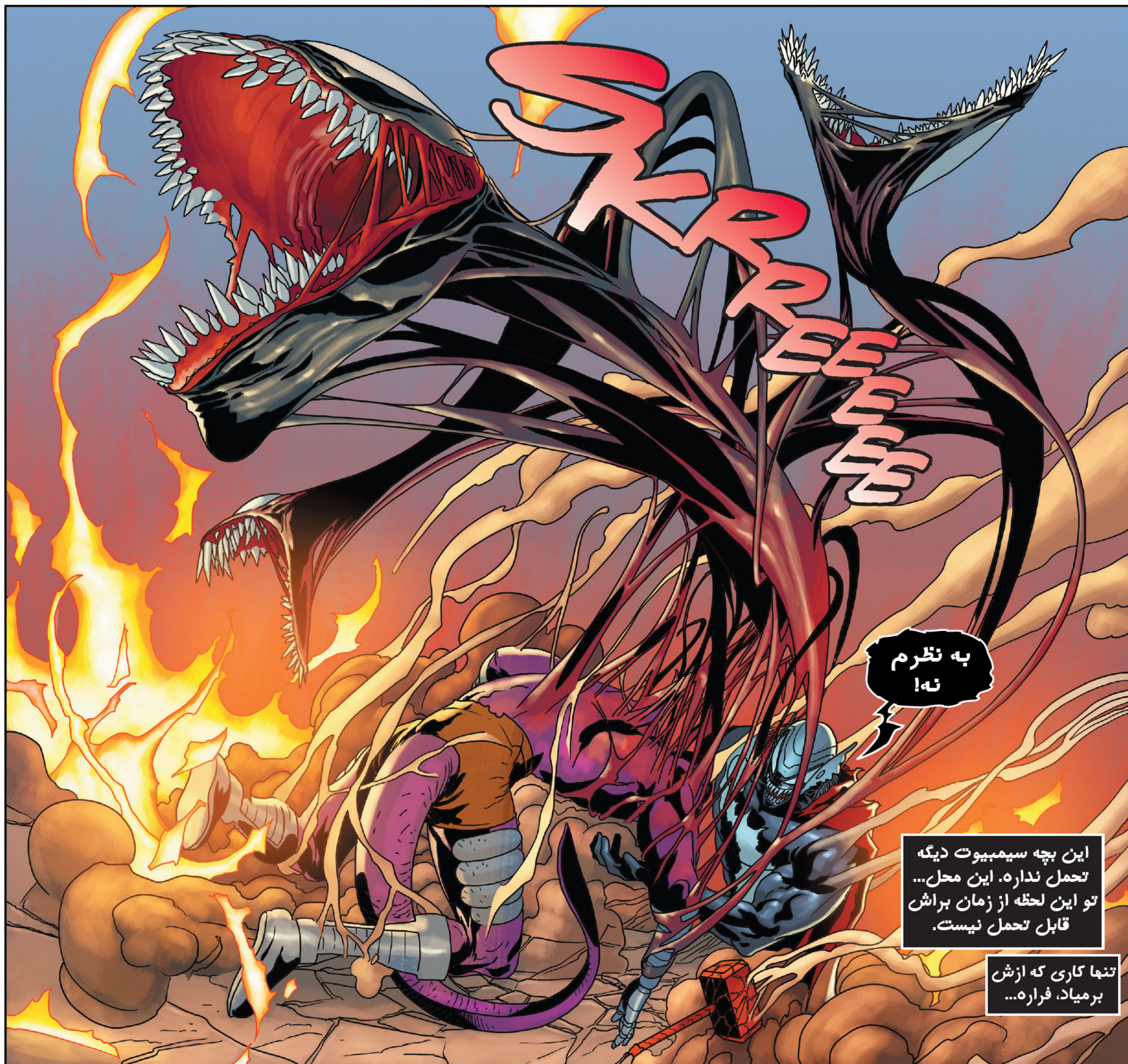












به نظرم نه!

این بچه سیمپیوت دیگه تحمل نداره. این محل... تو این لحظه از زمان براش قابل تحمل نیست.

تنها کاری که ازش برمیاد، فراره...



...از جسم خودش.

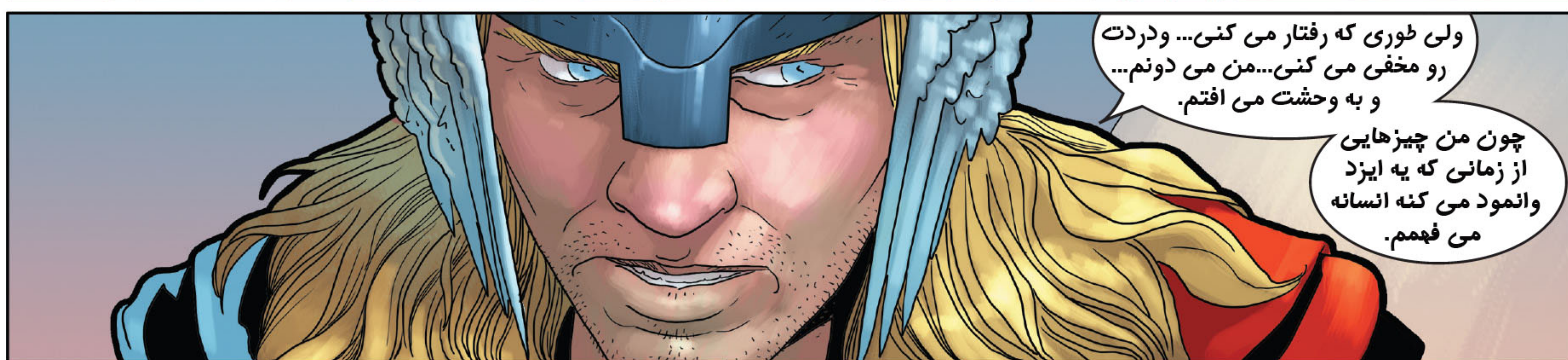


دار کوت شکست خورد! و بموقع این اتفاق افتاد. اگه یه کم بیشتر طول کشیده بود، اون توهم ازدهای ماسپلهایم همه جا پخش می شد. یا به واقعیت تبدیل می شد. هرگز نمی تونم مطمئن باشم.



به نظر می رسه بچه بتلر به حقه رو به خوبی از پدرش یاد گرفته. می تونه آزادانه تو زمان حرکت کنه... و اثر سیاه خودشو به جا بذاره. و بدون اون... دار کوت یه پیوسته خالیه.









...و خیلی  
خیلی بیشتر.

من مریدیوس  
هستم... ادوارد براک  
آینده شما، و مأموریت  
دارم کاری برای نجات زمان  
خودم انجام بدم.

گذشته رو  
نمی شه تغییر داد.  
باید همونطور بمونه. ولی  
آینده رو می شه  
تغییر داد.

من این دوره  
زمانی رو می شناسم  
ثور. می دونم تو آینده و  
سرنوشت خودتو دیدی. اگه  
می تونستی اتفاقات آینده رو  
تغییر بدی...



...حداقل سعی ات رو  
نمی کردی؟



بستگی داره  
مریدیوس.

که چه بهایی برای  
کسانی که دوستشون  
دارم، خواهد داشت؟



او،  
ثور.



ما خیلی  
خوب با هم کنار  
اومده بودیم.





اوونن...

من این پتک رو... و قدرتش رو جذب می کنم، ثور. پرومیتوم عنصر تاریکیه... مثل ماده سیمبیوتی.

تنها کاری که باید بکنی اینه که منو رها کنی.



ثور... اون کلمه رو بگو تا تمام افرادت مثل جهنم به سرش بریزند...

یا می تونی رهاش کنی بره. دو نشون با یه تیر...

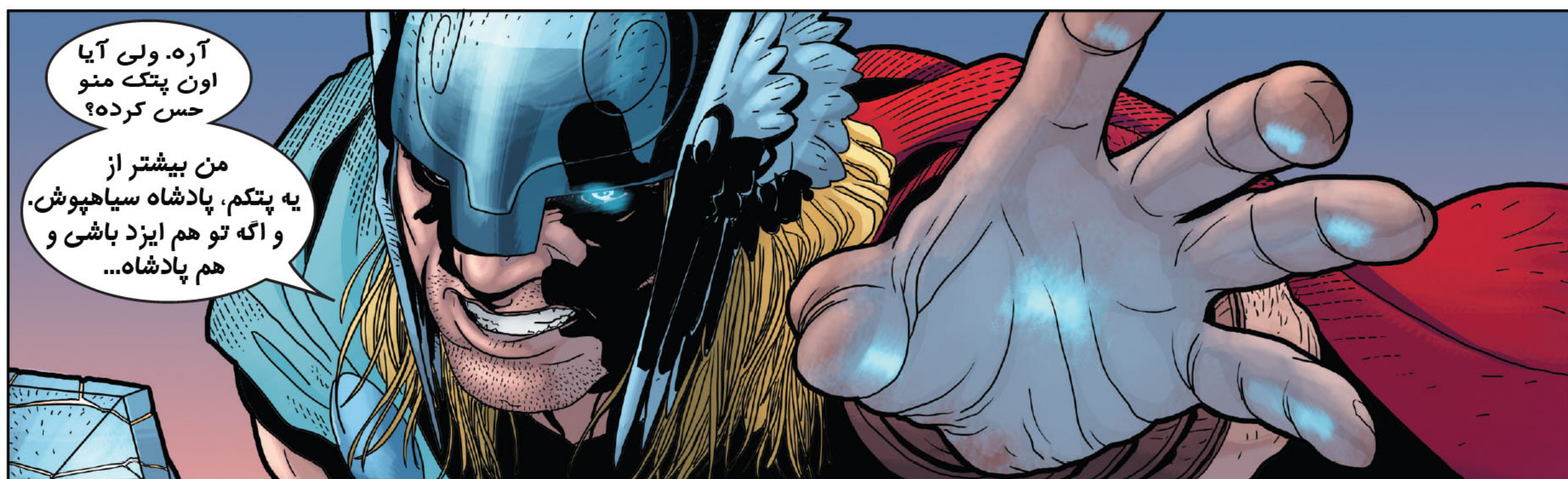
پاه! اون پتک اسباب بازی منو غافلگیر کرد، همین! دوباره منو تاب بده و ... نه.



این جنگ منه. جوابم نه... به همه شماست.

به حرف برادرت گوش بده ثور.

تو قدرت این پتک رو حس کردی...



آره. ولی آیا اون پتک منو حس کرده؟

من بیشتر از یه پتکم، پادشاه سیاهپوش. و اگه تو هم ایزد باشی و هم پادشاه...



...الان تو با پادشاه ایزدان روبرو شدی.

پدر تمام آزگارد...





...با تمام  
نیروهایی که بهش  
داده شده!

نننن...  
تو... تو...  
نمی تونی...



من هزاره های  
زیادی رو پشت سر گذاشتم...  
امپراطوری ها نابود کردم...  
من...  
هرگز...



تو بردی  
ثور.  
لعنت به  
تو.



نمی دونم چی  
رو بردی...؟

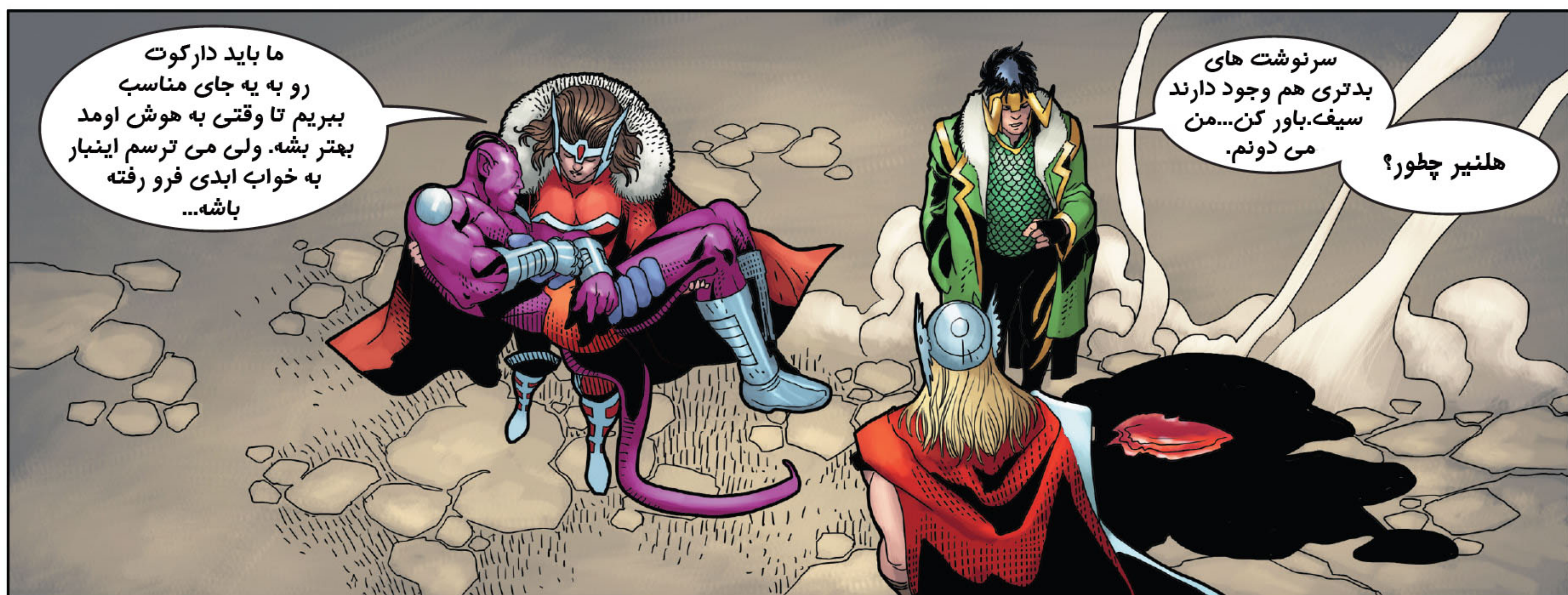


آینده مشخص  
می کنه مریدپوس.  
....



وقتی  
فرا برسه...





سر نوشت های بدتری هم وجود دارند سیف باور کن... من می دونم.

هلنیر چطور؟

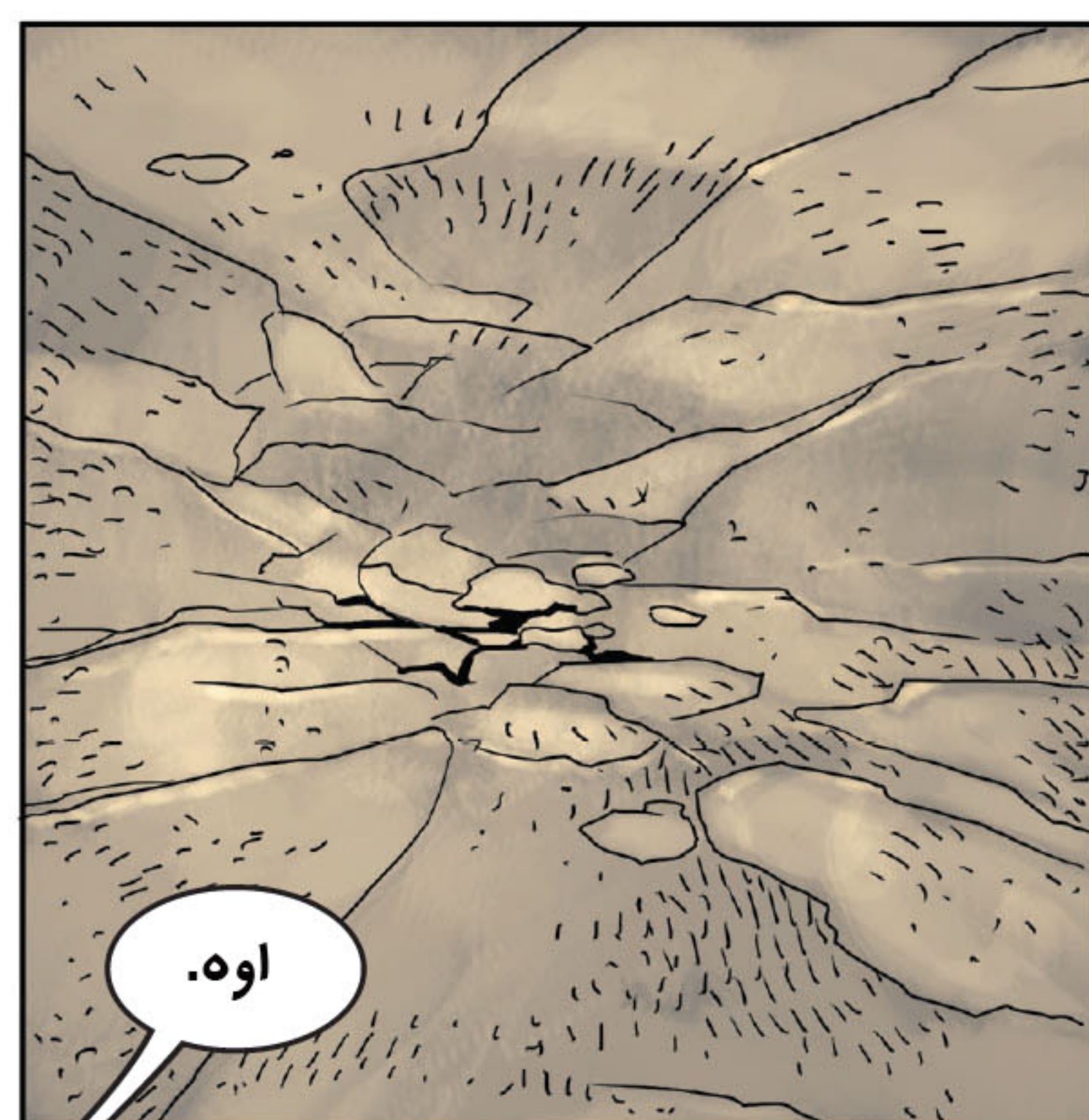
ما باید دارکوت رو به یه جای مناسب ببریم تا وقتی به هوش اومد بهتر بشه. ولی می ترسم اینبار به خواب ابدی فرو رفته باشه...



حتی به عنوان یه گودال...



...یه کم زیادی خطرناکه...



اوه.



از بین رفت. انگار تو زمین زیر پای ما فرو رفت.

من نابودش کردم، یا کار مریدیوس بود...؟

حتی چشم های من هم نمی تونه رد این ماده رو بگیره. انگار از این دنیا محو شده...



...  
یا با یه جادوی خیلی قوی تر مخفی شده...

من پادشاهی خودمو می شناسم لوکی... چه روی زمین باشه... چه زیر اون.

اون زیر غیر از سنگ و صخره چیزی نیست.



درسته. صخره های سنگی. نه چیزی دیگه.

به چی فکر می کردم؟

و در دنیای تاریک زیرین...



...زهر می چکد.

پرومتیوم مذاب، که در سایه اورو  
سرازیر شده است و با سیمبیوت  
...خون سیاه، مخلوق خلأ درآمیخته،

هر قطره الهاماتی را  
به همراه دارد.

هر قطره حاوی  
افسانه ای است.

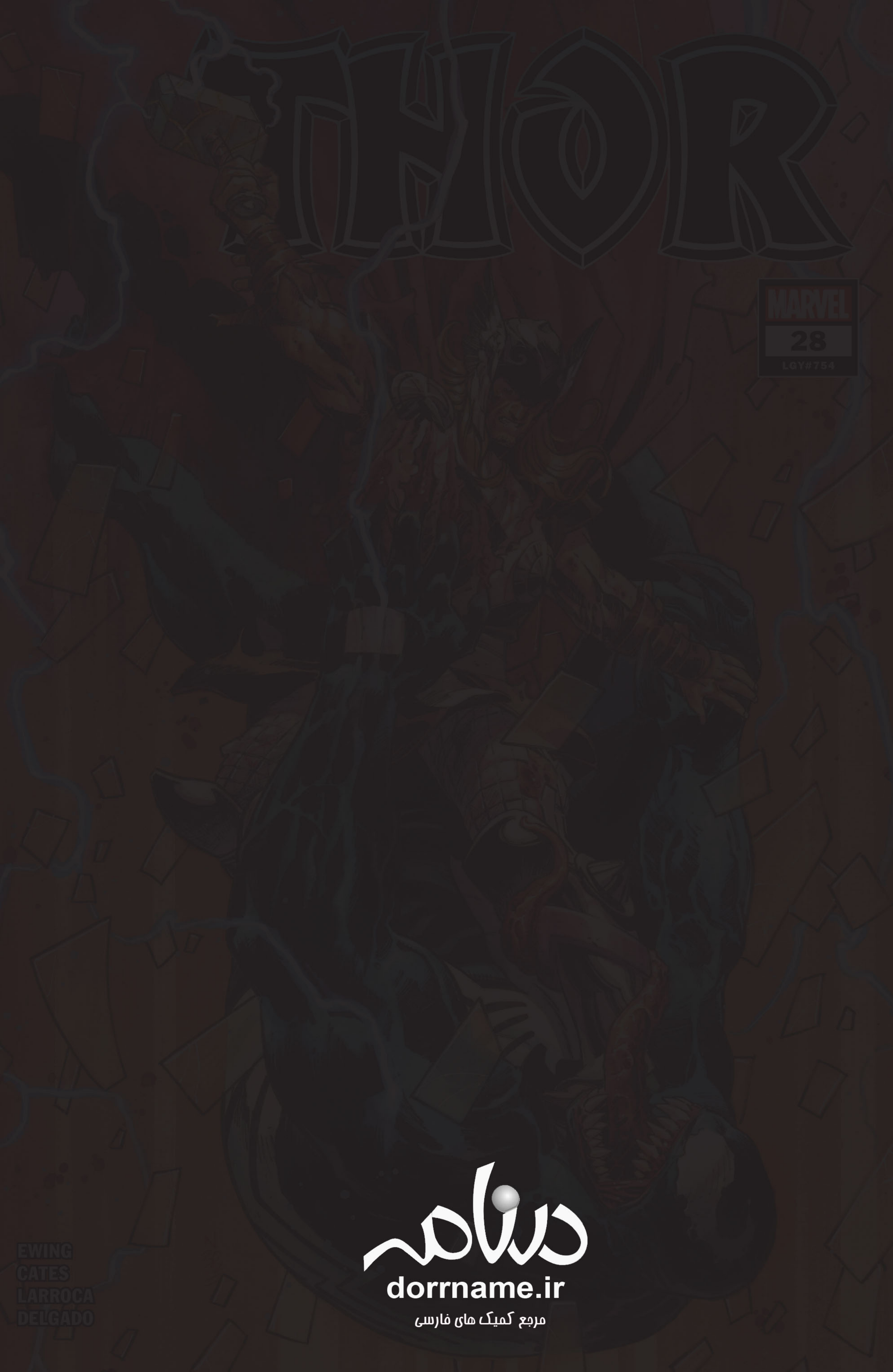
از میان صخره های قدیمی فرو  
می چکد... پیچ و تاب می خورد  
و به درون چشم نفوذ می کند.



و اکنون، در دنیای  
تاریکی زیر آژگارد...

...یک افعی  
وجود دارد.





# IRON MAN

MARVEL  
28  
LGY#754

دورنامه

dorname.ir

مربع کمیک های فارسی

EWING  
CATES  
LARROCA  
DELGADO